

ایران ورزشی

● صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
● مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
● رئیس هیات مدیره: مادیق حسین جابری انصاری
● مدیرعامل و مدیر مسئول: علی متقیان
● سرمدیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
● سرمدیر ایران ورزشی: علی جوادی
● تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۰۴۱۳۳ ● نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳
● چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
● سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۰۱۳۰۵ - ۸۸۷۴۶۵۸۳
● امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۷۲۱۹۵۴
● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
● صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵

گردش میلیاردی فوتبال ایران، زیرسایه قراردادهای پنهان و مالیات‌های پرداخت نشده

فرار مالیاتی نجومی بگیرها

گزارش ویژه

محمد رضا رحیم پور

خبرنگار

در فوتبال ایران، جایی که گردش مالی به هزاران میلیارد تومان رسیده و بازار نقل‌وانتقالات هر فصل داغ‌تر از قبل دنبال می‌شود، یک پرسش کلیدی همچنان بی‌پاسخ مانده است که سهم مالیات از این بازی پرپیول دقیقاً کجاست و چه میزان از آن به توسعه زیرساخت‌های کشور بازمی‌گردد؟

آمارهای رسمی تا پیش از سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد بدهی مالیاتی باشگاه‌ها و ورزشکاران از مرز ۱۲۰ میلیارد تومان عبور کرده است؛ رقمی قابل‌توجه که طبق گزارش منتشرشده ابزنا از سوی سازمان امور مالیاتی، حدود ۶۵ درصد آن به دو باشگاه پرسپولیس و استقلال اختصاص دارد. در همین چهارچوب، رئیس کل سازمان امور مالیاتی نیز اعلام کرده که ۸۵ تا ۹۰ درصد بدهی‌های مالیاتی ورزشکاران مربوط به فوتبال‌لیست‌هاست؛ همان ستاره‌هایی که بیشترین سهم را از این گردش مالی دارند.

صورت‌های مالی حسابرسی‌شده، تصویر شفاف‌تری از این زمین بازی اقتصادی ارائه می‌دهند؛ پرسپولیس با ۶۰۸ میلیارد تومان و استقلال با ۱۵۰۴ میلیارد تومان بدهی قطعی مالیاتی، در صدر قرار دارند. اگر بدهی‌های فردی بازیکنان و مربیان این دو باشگاه نیز به این ارقام اضافه شود، سهم آنها به بیش از ۶۰ درصد کل بدهی مالیاتی ورزش کشور می‌رسد؛ موضوعی که در گزارش‌های جداگانه فارس و مهر نیز به آن پرداخته شده است. در عین حال، گزارش‌ها حاکی از آن است که برخی ورزشکاران از دهه ۷۰ تاکنون حتی یک‌بار هم تسویه حساب کامل نداشته‌اند؛ وضعیتی که در نهایت، سازمان امور مالیاتی را ناگزیر کرده نام‌پیش از ۲۰۰ نفر را در فهرست ممنوع‌الخروج‌ها قرار دهد.

در میان مربیان خارجی نیز شرایط تفاوت محسوسی ندارد. به نوشته ایسنا، کارلوس کی‌روش با بدهی مالیاتی بیش از یک میلیارد تومان وارد همکاری شد و در نهایت، فدراسیون فوتبال با پرداخت ۹۳۴ میلیون تومان این پرونده را بست. همچنین به نوشته تسنیم، برانکو ایوانکوویچ با بدهی ۷۸ میلیون تومانی و ۱۶۰ میلیون جریمه مواجه شد که پس از بخشودگی بخشی از جریمه، باشگاه پرسپولیس ۴۸ میلیون تومان از آن را پرداخت کرد.

این جرجه در حالی تکرار می‌شود که در فوتبال حرفه‌ای جهان، حتی فوق‌ستاره‌هایی مانند مسی و رونالدو نیز شخصاً مسئولیت تعهدات مالیاتی خود را بر عهده می‌گیرند و در صورت تخلف، با پیگردهای قضایی مواجه می‌شوند؛ موضوعی که بارها در رسانه‌های معتبر بین‌المللی از جمله BBC و ESPN بازتاب یافته است.

مرور این داده‌ها نشان می‌دهد فرار مالیاتی در فوتبال ایران، بیش از آنکه یک تخلف فردی باشد، ریشه در مجموعه‌ای از کاستی‌های ساختاری دارد؛ نخست، ضعف در نهادینه‌سازی فرهنگ مالیاتی که هنوز در فضای حرفه‌ای فوتبال به‌طور کامل پذیرفته نشده است؛ دوم، زیرساخت‌های فناورانه‌ای که توان رصد دقیق و شفاف‌سازی همه‌جانبه جریان‌های مالی

فوتبال چین؛ میلیاردها دلار هزینه یک شکست بزرگ

آینده را با پول نمی‌توان پیش خرید کرد



و کادر فنی از سقف تعیین‌شده ۵۴۰ تومان، موفق به ثبت قرارداد پنج بازیکن خود نشد. ولی تنها طی ۴۸ ساعت، با انعقاد قراردادهای جدید، کاهش صوری مبالغ ثبت‌شده و اصلاح ارقام رسمی، توانست پیش از پایان مهلت نقل‌وانتقالات تابستانی، قرارداد تمامی اعضای تیم را در سازمان لیگ به ثبت برساند.

اما ماجرا به همین جا ختم نشد. پس از برکناری وحید هاشمیان، مشخص شد باشگاه برای پرداخت مابه‌التفاوت واقعی قراردادهای بازیکنان با بانک مالک در اختیار برخی افراد قرار داده بود. هنگامی که چک مربوط به قرارداد هاشمیان پس از قطع همکاری او نقد نشد، ایجاد این ماجرا به رسانه‌ها کشیده شد و پرده از بخشی از این سازوکار غیرشفاف کنار رفت.

این اتفاق، پرسشی جدی را پیش روی افکار عمومی قرار می‌دهد؛ اگر هاشمیان از سمت خود برکنار نمی‌شد و چک او در موعد مقرر وصول می‌شد، آیا اساساً کسی از این «معجزه ۴۸ ساعته» و پرداخت‌های خارج از قرارداد رسمی مطلع می‌شد؟ یا این جرچه همچنان در سکوت، به مسیر خود ادامه می‌داد؟

آنچه مسلم است، تداوم چنین رویه‌هایی در فوتبال، زمانی که با پنهان‌سازی منشا وجوه همراه شود، می‌تواند در چهارچوب پولشویی تعریف شود. مطابق قوانین داخلی، تمامی پرداخت‌های خارج از قرارداد رسمی در فوتبال، در زمره مصادیق اولیه فرار مالیاتی و حتی پولشویی قرار می‌گیرند و مشمول الزام گزارش‌دهی هستند. ولی واقعیت میدانی فوتبال ایران نشان می‌دهد این چهارچوب‌ها در سال‌های اخیر به‌سادگی دور زده شده‌اند. به عنوان نمونه، در فصل گذشته لیگ برتر، دست‌کم ۱۰ باشگاه با هدف عبور نکردن از مقررات سقف قرارداد، ارقام غیرواقعی و به مراتب پایین‌تر از مبالغ واقعی پرداختی به بازیکنان و کادر فنی را در قراردادهای رسمی خود ثبت کرده‌اند. این اقدام، علاوه بر آنکه شفافیت مالی را مخدوش می‌کند، مستقیماً سلامت رقابت‌ها را نیز زیر سؤال می‌برد و از ضعف جدی در سازوکارهای نظارتی و اجرایی فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ حکایت دارد.

یکی از نمونه‌های قابل‌توجه در این زمینه، به باشگاه پرسپولیس تهران بازمی‌گردد. این باشگاه در هفته نخست لیگ برتر، به دلیل عبور مجموع ارزش قرارداد با بازیکنان



حمایتی، هرگز به صورت شفاف در ترازنامه‌ها منعکس نمی‌شود. نتیجه، سیستمی است که در آن سازمان امور مالیاتی برای برآورد بدهی واقعی یک ستاره فوتبال، اچار به حدس و گمان می‌شود. پیامد این وضعیت، تنها به اقتصاد فوتبال محدود نمی‌شود؛ بلکه به بدنه اجتماعی نیز سرایت می‌کند. وقتی هوادار می‌بیند باشگاه محبوسش با بدهی‌های انباشته دست‌وپنجه نرم می‌کند و در عین حال، قراردادهای دوگانه راه گریز از قانون را باز می‌گذراند، احساس بی‌عدالتی تقویت می‌شود. قوانین مالیاتی برای درآمدهای بالا روشن است، اما در غیاب داده‌های واقعی، مجریان عملاً دست‌بسته‌اند. به بیان روشن‌تر، ابهام در ارقام، بزرگ‌ترین مانع تحقق عدالت مالیاتی است.

در این میان، اجرای «فیرلی مالی» که از ابتدای فصل جاری در لیگ برتر کلید خورده، می‌تواند همان جراحی ضروری باشد؛ جراحی‌ای که نه با مُسکن، بلکه با اصلاح ساختار به میدان آمده است.

فیرلی مالی صرفاً محدودکننده هزینه‌ها نیست؛ بلکه پیش از هر چیز، باشگاه‌ها را به شفاف‌سازی کامل مالی ملزم می‌کند. با اجرای این مدل، ارائه صورت‌های مالی حسابرسی‌شده، ثبت تمام گردش‌های مالی و حذف پرداخت‌های خارج از سامانه، دیگر یک انتخاب نخواهد بود، بلکه یک الزام است.

این سازوکار، نظارت را از یک اقدام مقطعی از ابتدای فصل جاری در لیگ برتر تبدیل می‌کند. به فرایندی مستمر و فراگیر تبدیل می‌شود. ضمانت‌های اجرایی آن -از جریمه‌های مالی سنگین تا کسر امتیاز و محرومیت از نقل‌وانتقالات- به قدری بازدارنده است که باشگاه‌ها را ناگزیر به رعایت انضباط مالی می‌کند. نکته مهم‌تر آنکه با نهادینه شدن شفافیت، بازیکنان و مربیان خارجی نیز در مدار قانونی مالیات قرار می‌گیرند و مسیرهای فرار از طریق کشور مبدأ محدود می‌شود.

در نهایت باید پذیرفت که بدون استقرار شفافیت به عنوان اصل بنیادین در قراردادها و مدیریت مالی باشگاه‌ها، هر تلاشی برای وصول مالیات، راه به جایی نخواهد برد. ابزارها و قوانین -از سامانه مودیان گرفته تا اصلاحات قانونی- موجودند اما کارآمدی آنها در گرو یک پیش شرط است؛ شفافیت. بدون آن، همچنان در همان چرخه معیوب خواهیم چرخید.

امیر عابدینی: فوتبال ایران در آستانه ورشکستگی است



امیر عابدینی، مدیرعامل پیشین پرسپولیس، با انتقاد از وضعیت مدیریت فوتبال ایران گفت: «فوتبال ایران به‌واسطه غفلت‌های بی‌پایان در آستانه ورشکستگی است و این اتفاق برای هیچ‌کس اهمیت ندارد.»

او با اشاره به قراردادهای سنگین باشگاه‌ها

به استعدادهای جوان تأکید کرد: «استعداد در ایران به وفور وجود دارد، اما باشگاه‌ها به جای بازیکن‌سازی، به سمت جذب بازیکنان آماده رفته‌اند. اگر باشگاه‌ها در کنار هزینه‌های کلان بتوانند استعدادهای جدیدی معرفی کنند، این هزینه‌ها قابل دفاع خواهد بود.»

یادداشت

رسول باختر

گارشناس حقوقی

شفافیت مالی با بخشنامه محقق نمی‌شود

این روزها فدراسیون فوتبال بیش از هر زمان دیگری بر شفافیت مالی قراردادهای باشگاه‌ها تأکید می‌کند؛ مطالبه‌ای که در ذات خود، کاملاً درست و ضروری است. اما پرسش اساسی اینجاست: آیا می‌توان ساختاری را که طی چند سال گذشته خودمان به سمت عدم شفافیت هدایت کرده‌ایم، تنها با صدور چند دستورالعمل اصلاح کرد؟

واقعیت آن است که اجرای سیاست سقف قرارداد، در عمل باشگاه‌ها را به سمتی سوق داد که میان مبلغ واقعی قرارداد و مبلغ ثبت‌شده تفاوت ایجاد شود. بسیاری از قراردادها با دو رقم منعقد شدند؛ رقمی که در سامانه‌های رسمی ثبت و رقمی که خارج از قرارداد پرداخت می‌شد. این وضعیت، محصول تصمیمی بود که با هدف کنترل هزینه‌ها اتخاذ شد، اما در عمل به کاهش شفافیت مالی منجر خواهد شد.

اکنون همان نهادی که چنین رویه‌ای را ایجاد کرده، از باشگاه‌ها انتظار دارد ظرف چند هفته یا چند ماه به شفافیت کامل دست یابند. این انتظار، هرچند از منظر هدف قابل دفاع است، اما از نظر اجرایی واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد. عرفی که طی چند فصل در فوتبال ایران شکل گرفته، یک‌شبه از میان نخواهد رفت و اصلاح آن نیازمند زمان، ثبات در سیاست‌گذاری و اعتمادسازی است.

اگر به جای اجرای دستورالعمل سقف قرارداد، از سازوکارهای شفافیت مالی، نظارت بر پرداخت‌ها و ثبت واقعی قراردادها در دستور کار قرار می‌گرفت، امروز فوتبال ایران با چنین چالشی روبه‌رو نبود. شفافیت، یک فرهنگ است؛ فرهنگی که باید به تدریج در نظام مدیریتی فوتبال نهادینه شود، نه اینکه با تغییرات ناگهانی در سیاست‌ها، انتظار تحقق فوری آن را داشته باشیم.

از سوی دیگر، در بحث مالیات نیز نباید تصور کرد که صرف ثبت یک عدد در قرارداد، پایان ماجراست. سازمان امور مالیاتی به قراردادهای رسمی دسترسی دارد، اما اگر پرداخت‌هایی خارج از قرارداد انجام شده باشد، طبیعتاً ششاسایی آن دشوارتر خواهد بود. البته دشواری به معنای غیرممکن بودن نیست. افزایش حسرت‌عارف دارایی، گردش مالی اشخاص و بررسی حساب‌های مشکوک، از جمله ابزارهایی است که می‌تواند مبنای رسیدگی قرار گیرد.

به همین دلیل، اگر در سال‌های گذشته پرداخت‌هایی خارج از قرارداد به بازیکنان انجام شده و این‌مبالغ به عنوان درآمد اظهار نشده باشد، می‌توان از احتمال وقوع فرار مالیاتی سخن گفت. هر جا که درآمد واقعی پنهان ماند و در اظهارنامه مالیاتی منعکس نشود، زمینه برای فرار مالیاتی نیز فراهم خواهد شد.

موضوع دیگری که این روزها محل بحث است، قراردادهای موسوم به Net، به‌ویژه در مورد بازیکنان خارجی است؛ یعنی قراردادی که در آن بازیکن مبلغ خالص دریافتی خود را مشخص می‌کند و باشگاه پرداخت مالیات را بر عهده می‌گیرد. این شیوه نه پدیده‌ای مختص فوتبال ایران است و نه با حقوق بین‌الملل بیگانه. در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در قراردادهای بین‌المللی، چنین توافقی کاملاً رایج است. دلیل این موضوع نیز زورشن است. بازیکنی که از کشوری دیگر وارد یک لیگ می‌شود، معمولاً با قوانین مالیاتی آن کشور آشنایی کامل ندارد و نمی‌تواند میزان دقیق مالیات خود را محاسبه کند. بنابراین ترجیح می‌دهد مبلغ خالص مورد نظرش را دریافت کند؛ باشگاه، که به قوانین داخلی مسلط است، مسئولیت محاسبه و پرداخت مالیات را بر عهده بگیرد. البته این توافق، هرگز به معنای معافیت مالیاتی یا فرار از پرداخت مالیات نیست؛ بلکه صرفاً تعیین می‌کند که پرداخت مالیات بر عهده کدام‌یک از طرفین قرارداد باشد.

باید پذیرفت که شفافیت مالی نه با شعار محقق می‌شود و نه با بخشنامه‌های مقطعی. اگر اراده واقعی برای اصلاح ساختار مالی فوتبال وجود دارد، نخست باید سیستم‌های حقوقی و اجرایی آن فراهم شود؛ سپس با ثبات در سیاست‌گذاری و نظارت مستمر، اعتماد از دست‌رفته به تدریج بازسازی گردد. تنها در چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت که فوتبال ایران به سمت شفافیت واقعی حرکت کند.

گران‌ترین بازیکنان خارجی نیز نتوانست کیفیت بازیکنان بومی چین را به شکل محسوسی افزایش دهد تا تیم ملی این کشور را به جمع قدرت‌های فوتبال جهان برساند.

برای فوتبال ایران، تجربه چین یک هشدار جدی است. کشور ما نیز سال‌هاست با مشکلاتی مانند وابستگی باشگاه‌ها به منابع عمومی، بدهی‌های انباشته، نبود درآمد پایدار، ضعف در آکادمی‌ها و مدیریت غیرحرفه‌ای پرداخت‌وپنجه نرم می‌کند. اگر اصلاحات ساختاری، شفافیت مالی، توسعه فوتبال پایه و استقلال اقتصادی باشگاه‌ها در اولویت قرار نگیرد، صرف افزایش هزینه‌ها با جذب بازیکنان و مربیان گرانقیمت نمی‌تواند تضمین‌کننده موفقیت باشد.

فوتبال چین ثابت کرد که توسعه واقعی، نه از مسیر واخرجی و تصمیم‌های غیروزششی، بلکه از مسیر باشگاه‌های سالم، آکادمی‌های کارآمد، مدیریت حرفه‌ای و برنامه‌ریزی بلندمدت می‌گذرد. شاید مهم‌ترین درس این تجربه برای فوتبال ایران همین باشد؛ اینکه آینده فوتبال را نمی‌توان خرید، بلکه باید آن را ساخت.

شرط‌بندی و تخلفات مالی باعث شد بسیاری از باشگاه‌های سوپرلیگ با کسر امتیاز مواجه شوند و برخی حتی فصل را با امتیاز منفی آغاز کنند. همزمان، وابستگی باشگاه‌ها به شرکت‌های بزرگ اقتصادی، ساختار فوتبال این کشور را شکننده‌تر کرد.

نهاد این شکست، باشگاه گوانگژو افس‌سی است؛ پرافتخارترین باشگاه تاریخ فوتبال چین که بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹ هشت بار قهرمان لیگ چین و دو مرتبه قهرمان لیگ قهرمانان آسیا شد. این باشگاه با سرمایه‌گذاری شرکت ساختمانی اورگرند به قدرت اول فوتبال آسیا تبدیل شده بود، اما زمانی که این شرکت با بدهی بیش از ۳۰۰ میلیارد دلاری روبه‌رو شد، باشگاه نیز به سرعت وارد بحران شد. سرانجام گوانگژو نتوانست شرایط مالی لازم برای حضور در فصل ۲۰۲۵ را فراهم کند و رسماً منحل شد. همزمان چند باشگاه دیگر نیز به دلیل مشکلات مالی از ادامه فعالیت بازماندند.

این اتفاق نشان از ادامه موفقیتی که بر پایه هزینه‌های غیرواقعی و منابع مالی ناپایدار بنا شده، دوام نخواهد داشت. حتی حضور بهترین مربیان و

نتیجه این سیاست، شکل‌گیری یکی از پرهزینه‌ترین لیگ‌های فوتبال جهان بود. ستاره‌هایی مانند کارلوس توس، اسکار، دیدیه دروگبا، نیکولا آنکلا و پاتولینینو با قراردادهایی نجومی راهی لیگ چین شدند. مربیان سرشناسی همچون مارچلو لیپی و لوئیز فلیپه اسکولاری نیز هدایت باشگاه‌های چینی را بر عهده گرفتند. در آن دوران حتی مربیانی مانند آرسن ونگر و آنتونیو کونته هشدار می‌دادند که قدرت مالی چین می‌تواند بازار نقل‌وانتقالات فوتبال اروپا را دگرگون کند.

اما مشکل فوتبال چین هرگز کمبود پول نبود؛ بلکه شیوه مدیریت آن بود. دولت تلاش کرد فوتبال را همانند یک پروژه صنعتی اداره کند؛ پروژه‌ای که با دستور، برنامه‌ریزی متمرکز و اهداف از پیش تعیین‌شده به موفقیت برسد. در حالی که فوتبال برخلاف بسیاری از صنایع، بر پایه فرهنگ، رقابت، باشگاه‌های مستقل، آموزش مستمر و رشد تدریجی استعداده‌ها شکل می‌گیرد و نمی‌توان آن را صرفاً با تزریق سرمایه مهندسی کرد.

در کنار این مسأله، فساد گسترده نیز ضربه سنگینی به فوتبال چین وارد کرد. پرونده‌های متعدد ثباتی،